

بسمه تعالی

رابطه‌ی اخلاق دینی و انسجام در حدیث امامان معصوم (علیهم‌السلام)

علیجان حسنی

چکیده

در این مقاله با بررسی «رابطه‌ی اخلاق دینی و انسجام اسلامی» می‌خواهیم به این سؤال پاسخ دهیم: آیا اخلاق دینی مبتنی بر انسجام اسلامی است؟ درخاتمه، این فرضیه را اثبات می‌کنیم.

فصل اول

۱. کلید واژه‌ها

الف - انسجام اسلامی

انسجام اسلامی به معنای اتحاد، یکپارچگی، برادری، صمیمت، دوستی، همزیستی، عدم نزاع و دوری از تفرقه همه‌ی مسلمانان است. فرق انسجام اسلامی با اتحاد اسلامی این است که اتحاد به تعامل‌های داخلی توجه می‌کند؛ درحالی‌که انسجام اسلامی به یکپارچگی مسلمانان در برابر قدرت‌های غیراسلامی نیز اشاره می‌کند.

ب - اخلاق دینی

در این مقاله، اخلاق دینی به معنای آداب زندگی، معاشرت و تعامل با دیگران است، از دیدگاه امامان معصوم (علیهم‌السلام). اخلاق دینی به امرها و نهی‌های ائمه و پیشوایان دینی گفته می‌شود که کاربرد دوگانه‌ی دنیوی و اخروی دارند.

ج - امامان معصوم (علیهم‌السلام)

در این مقاله، با بیان دیدگاه‌های تربیتی و حدیث‌های اجتماعی ائمه (علیهم‌السلام) تأثیر آن‌ها را در انسجام اسلامی بررسی می‌کنیم. حدیث‌هایی که از منبع‌های اهل سنت نقل می‌شود برای تأیید دیدگاه شیعه است. اگر اهل شیعه و اهل سنت درباره‌ی موضوعی توافق داشته باشند، زمینه‌ی اتحاد بیشتری در آن موضوع فراهم می‌شود که می‌تواند عاملی باشد برای انسجام اسلامی.

۲ - انسجام اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری

موضوع اتحاد مسلمانان سال‌هاست مطرح شده است و علما و سردمداران جهان اسلام بر آن تأکید

کرده‌اند؛ اما طراحی شکل جدید نظریه‌ی «انسجام اسلامی» کار رهبر معظم انقلاب اسلامی بوده است. ایشان در پیام نوروزی، سال ۱۳۸۶ را سال «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» نامیدند. ایشان با توجه به مقتضیات امروز جهان اسلام و با در نظر گرفتن فتنه‌های استکبار جهانی، راه مقابله با توطئه‌های دشمنان را انسجام اسلامی در سطح بین‌الملل بیان کردند. رهبر انقلاب اسلامی معتقد است که علمای جهان اسلام باید منشور انسجام اسلامی را تنظیم و آن را به مسلمان و پیروان مذهب‌های اسلامی عرضه کنند. ایشان در این باره می‌فرمایند:

«منشوری تهیه کنند تا فلان آدم کج‌فهم متعصب وابسته به این یا فلان یا آن فرقه‌ی اسلامی نتواند آزادانه جماعت کثیری از مسلمانان را متهم به خروج از اسلام کند، تکفیر کند».

رهبر مسلمانان جهان بحث‌های علمی و نظریه‌پردازی‌های متخصصان اسلامی را لازمه‌ی پیشرفت علم و دانش می‌داند و به علما توصیه می‌کند:

«خواص بین خودشان بحث‌های علمی را بکنند؛ اما به مردم نکشاند. دل‌ها را نسبت به یکدیگر چرکین نکنند، دشمنی‌ها را زیاد نکنند».^۱

۳ - ضرورت انسجام اسلامی

یکی از ویژگی‌های دنیای امروز این است که فرهنگ‌ها در تعامل با هم قرار گرفته‌اند و عصر آزادی اطلاعات و دانش است. همه‌ی انسان‌ها به دانش و باورهای دیگران دسترسی دارند و مشتاق پذیرش باورهای صحیح هستند. به همین دلیل است که اسلام، در قرن اخیر، نفوذ حیرت‌آوری پیدا کرده است و جوانان جویای معنویت را به خود جذب کرده است. در این میان، دشمنان اسلام احساس خطر کرده‌اند و سعی دارند با استفاده از هر ابزاری مانع نفوذ و گسترش اسلام شوند. یکی از ابزار دشمنان اسلام به وجود آوردن اختلاف میان مسلمانان است.

الف - حفظ اسلام

حفظ اسلام یکی از ضرورت‌هایی است که بر هر امر دیگری تقدم دارد. به دلیل فتنه‌های مختلف و متعدد جهان‌خواران، امروزه به اصل دین اسلام حمله می‌شود؛ بنابراین بر همه‌ی مسلمانان واجب است تا با حربه‌ی انسجام اسلامی توطئه‌ی دشمنان را خنثی کنند.

^۱ به نقل از سایت دفتر مقام معظم رهبری.

ب - سفارش اصول

کتاب، سنت و عقل از اصول اسلامی است. یکی از موردهایی که این اصول بر آن تأکید می‌کنند انسجام اسلامی است. هر محقق و فرد صاحب بصیرتی، با مراجعه به اصول، متوجه می‌شود که انسجام اسلامی وظیفه‌ی هر مسلمان است.

قرآن

قرآن کریم معتبرترین منبع اسلامی است و همه‌ی مذهب‌های اسلامی درباره‌ی آن توافق دارند. مسلمانان باید به هر آنچه خداوند در قرآن کریم دستور داده است بدون شک تن دهند. انسجام اسلامی و دوری از تفرقه و تشتت یکی از موضوع‌هایی است که قرآن کریم بر آن تأکید کرده است. برای نمونه:

۱. «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»، همگی به ریسمان الهی چنگ بزنید و متفرق نشوید.^۱

۲. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»، مؤمنان با هم برادرند.^۲

۳. «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ»، از [احکام] دین آنچه را که به نوح درباره‌ی آن سفارش کرد برای شما تشریح کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را که درباره‌ی آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم که دین را برپا دارید و در آن تفرقه‌اندازی نکنید.^۳

عقل

یکی دیگر از منبع‌های دینی عقل است که بر انسجام اسلامی تأکید دارد. عقل می‌گوید اگر بین مسلمانان تفرقه باشد، دشمنان اسلام از این طریق نفوذ می‌کنند و دینشان را از آنان می‌گیرند؛ بنابراین برای حفظ دین باید به اشتراک‌های اسلامی روی آورد و هوشیارانه با توطئه‌های دشمنان مقابله کرد.

امامان معصوم (علیهم‌السلام)

پیشوایان دینی ما همیشه بر انسجام و اتحاد اسلامی تأکید کرده‌اند. از زمان پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) تا دوران ائمه‌ی دوازده‌گانه‌ی شیعه، وحدت اسلامی همیشه برای حفظ کیان دین ضروری بوده است. سخنان بزرگان شیعه و سنی گویای این واقعیت است که همه‌ی بزرگان دین بر اتحاد مسلمانان

^۱ سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۰۳

^۲ سوره‌ی حجرات، آیه‌ی ۱۰

^۳ سوره‌ی شوری، آیه‌ی ۱۳

تأکید کرده‌اند. برای اینکه از اهمیت انسجام اسلامی در دیدگاه امامان معصوم (علیهم‌السلام) مطلع شویم، به تعدادی از روایت‌ها اشاره می‌کنیم:

منبع‌های شیعه

امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«صَدَقَةٌ يُحِبُّهَا اللَّهُ إِصْلَاحٌ بَيْنَ النَّاسِ إِذَا تَفَاسَدُوا وَ تَقْرِيبٌ إِذَا تَبَاعَدُوا»، یکی از صدقه‌هایی که خدا دوست دارد، اصلاح بین مردم در هنگام فساد و نزدیکی آن‌ها در هنگام جدایی است.^۱

منبع‌های سنی

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرموده‌اند:

«لَا تَقَاطَعُوا وَ لَا تَدَابَرُوا»، ارتباطات خود را قطع نکنید و به همدیگر پشت ننمائید.^۲
«لَا يَجِلُّ لِلْمُسْلِمِ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثٍ»، جایز نیست مسلمانی بیش از سه روز با برادر مسلمان خود جدایی داشته باشد.^۳

«مَنْ هَجَرُ الرَّجُلِ أَخَاهُ سَنَةً كَسَفَكَ دَمَهُ»، کسی که با برادر مسلمان خود یک سال قطع رابطه کند، مثل آن است که او را کشته است.^۴

«أَنَا زَعِيمٌ بَيْتٍ فِي أَعْلَى الْجَنَّةِ وَ بَيْتٍ فِي وَسْطِ الْجَنَّةِ وَ بَيْتٍ فِي رِيَاضِ الْجَنَّةِ لِمَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَ إِنْ كَانَ مُحِقًّا»، من خانه را در بهشت ضمانت می‌کنم برای کسی که از دعوا اجتناب کند ولو آن که حق با او باشد.^۵

۴ - سابقه‌ی فعالیت‌های انسجامی

به‌طورقطع، اولین بنیان‌گذار انسجام اسلامی پیامبر بزرگوار اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بوده است و پس از او ائمه‌ی طاهر (علیهم‌السلام)؛ اما در دوران معاصر می‌توان این افراد و گروه‌ها را در زمره‌ی پیشکسوتان انسجام

^۱ مشکاة الانوار، ص ۱۸۹.

^۲ الترغیب و الترهیب، ص ۴۵۴، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۳۰۶.

^۳ صحیح مسلم، حدیث ۶۵۳۴.

^۴ الترغیب الترهیب، ص ۴۵۷ و نهج الفصاحة، ص ۷۴۷.

^۵ همان، ص ۴۰۶ و التوحید، ص ۴۶۱.

اسلامی قرار داد:

- ۱ - شیخ شلتوت و دانشگاه الازهر، با تأسیس مجمع تقریب بین مذاهب اسلامی؛
- ۲ - آیه‌الله بروجردی و حوزه‌ی علمیه‌ی قم، با کمک به تأسیس مجمع تقریب بین مذاهب اسلامی؛
- ۳ - روشنفکران، علما و افراد سیاسی جهان اسلام که تلاش‌های زیادی برای متحد کردن مسلمانان کردند؛ مانند سید جمال‌الدین اسدآبادی، سید قطب، علامه اقبال لاهوری، استاد مرتضی مطهری و ...؛

۴ - انقلاب اسلامی ایران و رهبر عالی‌قدر آن حضرت امام خمینی (رحمه‌الله).
جمهوری اسلامی ایران تنها دولتی است که به‌طور رسمی و از همان ابتدای تأسیس ایده‌ی انسجام امت مسلمان در مقابل دنیای کفر را مطرح کرد. در ادامه‌ی همین باور است که رهبر بزرگوار انقلاب سال ۱۳۸۶ را سال «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» نامید.

فصل دوم

انسجام اسلامی در عصر امامان معصوم (علیهم‌السلام)

الف - جریان‌های سیاسی عصر ائمه‌ی معصوم (علیهم‌السلام)

با مراجعه به تاریخ صدر اسلام، به جریان‌ها و گروه‌هایی برمی‌خوریم که تفرقه‌ی بین آن‌ها تهدیدی بود برای اصل دین اسلام و لازم بود بین این جریان‌ها اتحاد و انسجام برقرار شود. برخی از این جریان‌ها عبارتند از:

- ۱ - وجود قبیله‌های متعدد در زمان پیغمبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) که بین آن‌ها اختلاف بود؛
- ۲ - اختلاف‌های قدیمی بین دو قبیله‌ی مسلمان اوس و خزرج در زمان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)؛
- ۳ - جناح‌بندی مهاجران و انصار در مدینه؛
- ۴ - جناح‌بندی بین بنی‌امیه و بنی‌هاشم در مدینه و مکه؛
- ۵ - وجود جریان بنی‌عباس و بنی‌هاشم؛
- ۶ - نزاع بر سر خلافت اسلامی و وصیت‌های بعد از پیغمبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم).

ب - تعبیرهای ائمه (علیهم‌السلام) از جریان‌های سیاسی مخالف

یکی از ویژگی‌های ائمه‌ی معصوم (علیهم‌السلام) این است که با حفظ ادب از مخالفان خود یاد می‌کردند.

آنان مخالف تفکر انحرافی معارضان خود بودند و با آن مبارزه می کردند؛ اما هیچ گاه در برخورد با آنها اخلاق را فراموش نمی کردند. این نوع تعامل ائمه (علیهم السلام) باید برای جناح ها و گروه های امروزی مسلمانان الگو باشد تا در موضع گیری های جناحی علیه مخالفان خود ادب و احترام را رعایت کنند.

ج - تفاوت های عصر ائمه (علیهم السلام) با دوران امروز

دوران ائمه (علیهم السلام) با عصر امروز تفاوت های اساسی دارد. همین تفاوت ها باعث شده است تا نوع سخن گفتن دو عصر نیز متفاوت باشد. عامل های مختلف و متعددی در ایجاد این تفاوت ها نقش دارد که به بعضی از این تفاوت ها اشاره می کنیم.

تفاوت در مقتضیات

مقتضیات عصر ائمه (علیهم السلام) به دلیل های زیر با دوران حاضر تفاوت دارد:

- الف - کم بودن جمعیت مسلمانان؛
- ب - وابستگی و محدودیت سرزمین های اسلامی؛
- ج - نزدیک بودن مسلمانان به عصر پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم)؛
- د - کمبود آگاهی و بی سواد بودن مردم؛
- ه - نبود امکان برای گسترش سریع اطلاعات و دانش؛
- و - نبودن تهدیدی های جدی و انتحاری برای اسلام.

تفاوت رفتار و گفتار

در آن دوران، ائمه (علیهم السلام) با توجه به درک، اعتقادات، احساس ها و نیازهای جامعه ی آن زمان امر و نهی می کردند. در زمینه ی انسجام اسلامی نیز بیان ائمه (علیهم السلام) با امروز متفاوت بود. به طور قطع، حکمت بسیاری از رفتارها و گفتارهای ائمه (علیهم السلام) برای ما مجهول است؛ اما گاهی در متن های تاریخی به نکته هایی برمی خوریم که بیانگر توجه ائمه (علیهم السلام) به انسجام اسلامی و تعامل با مخالفان است. برای نمونه می توان به این موارد اشاره کرد:

- ۱ - تعامل داشتن امام علی (علیه السلام) با خلفای زمان خود؛
- ۲ - صلح کردن امام حسن (علیه السلام) با معاویه؛
- ۳ - امام هفتم (علیه السلام) در روز عید نوروز، به دستور منصور دوانیقی، روی تخت می نشست و به

مراجعان پاسخ می‌داد؛^۱

۴- قبول ولایت عهدی مأمون توسط امام رضا علیه‌السلام؛

۵- ازدواج کردن امام جواد (علیه‌السلام) با ام‌الفضل، دختر مأمون.

تفاوت در شدت ضرورت انسجام

انسجام و هوشیاری اسلامی در این دوران، در مقایسه با زمان ائمه (علیهم‌السلام)، ضرورت بیشتری پیدا کرده است؛ زیرا همه‌ی دشمنان اسلام فعال شده‌اند تا اسلام را نابود کنند و این تهدیدها در دوران ائمه (علیهم‌السلام) چندان شدید نبود.

فصل سوم

برداشت‌های انسجامی از حدیث‌های اخلاقی امامان معصوم (علیهم‌السلام)

امامان معصوم (علیهم‌السلام)، در عمل و گفتار خویش، بر آداب اجتماعی و اخلاق اسلامی تأکید داشتند. بعضی از موضوع‌های اخلاقی کاربرد انسجامی نیز دارد؛ برای مثال وقتی در حدیثی لعن مسلمان نهی می‌شود، یکی از مفهوم‌های آن این است که دو مسلمان نباید با هم بجنگند؛ هنگامی که لعن مسلمانان جایز نیست، کشتن، غارت اموال، هتک حرمت و... آنان نیز به‌طور قطع جایز نیست. به‌دیگرسخن، مقتضای حدیث‌های اخلاقی فراخوانی مسلمانان به همزیستی مسالمت‌آمیز و انسجام اسلامی است. در ادامه، به نمونه‌هایی از موضوع‌های اخلاقی اشاره می‌کنیم که کاربرد دوگانه دارند و لزوم انسجام اسلامی از اولویت‌های آن‌هاست.

۱- آداب معاشرت

«آداب معاشرت» یکی از اخلاق‌های دینی است که عالمان بسیاری به آن پرداخته‌اند. امامان معصوم (علیهم‌السلام) حدیث‌های متعددی درباره‌ی تعامل و رفتار مسلمان با هم‌نوعان خود دارند. این حدیث‌ها در کتابی با نام «کتاب العشره» جمع شده است. حدیث‌ها به مسلمانان توصیه می‌کند که با برادران دینی خود همزیستی مسالمت‌آمیز و معاشرت مطلوب داشته باشند. در ادامه، به حدیث‌هایی در این زمینه اشاره می‌کنیم:

^۱ مفاتیح الجنان، اعمال عید نوروز.

منبع های شیعه

در منبع های شیعه حدیث های متعددی وجود دارد که حسن معاشرت با دیگران را سفارش می کند؛ مانند:

اباعبدالله (علیه السلام) فرموده است:

«عَلَيْكُمْ بِالصَّلَاةِ فِي الْمَسَاجِدِ وَحُسْنِ الْجَوَارِ لِلنَّاسِ وَإِقَامَةِ الشَّهَادَةِ وَحُضُورِ الْجَنَائِزِ»، در مسجدهای مسلمانان نماز بخوانید، با مخالفان حسن همجواری داشته باشید، در شهادت و تشیع جنازه های آنان حاضر شوید.^۱

اباعبدالله (علیه السلام) فرموده است:

«كَيْفَ يُبْغَى لَنَا أَنْ نَصْنَعَ فِيمَا بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا وَفِيمَا بَيْنَنَا وَبَيْنَ خُلَطَائِنَا مِنَ النَّاسِ قَالَ فَقَالَ تُوَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ وَتُقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ وَتَعُودُونَ مَرْضَاهُمْ وَتَشْهَدُونَ جَنَائِزَهُمْ»، از امام (علیه السلام) در مورد ارتباط با مخالفانی که از اقوام ما است یا اینکه با آنان برخورد داریم پرسیدم. امام (علیه السلام) فرمود: امانت های آن ها را برگردانید، در شهادت ها، عیادت و تشیع جنازه های شان حاضر شوید.^۲

اباعبدالله (علیه السلام) می فرماید:

«أَمَّا يَسْتَحِبُّ الرَّجُلُ مِنْكُمْ أَنْ يَعْرِفَ جَارَهُ حَقَّهُ وَلَا يَعْرِفَ حَقَّ جَارِهِ؟»، آیا خجالت نمی کشد کسی که مخالفان حق همسایگی او را ادا می کنند؛ اما او در این زمینه کوتاهی می کند؟^۳

ایشان فرموده است:

«تَنْظُرُونَ إِلَيَّ أَيْمَانِكُمْ الَّذِينَ تَقْتَدُونَ بِهِمْ فَتَصْنَعُونَ مَا يَصْنَعُونَ فَوَاللَّهِ إِنَّهُمْ لَيُعُودُونَ مَرْضَاهُمْ وَتَشْهَدُونَ جَنَائِزَهُمْ وَتُقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ وَتُؤَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ»، از امام (علیه السلام) در مورد روابط با مخالفان پرسیدم؛ امام فرمود: در این زمینه به امامان خود اقتدا کنید که آنان از مخالفان عیادت می کنند، در تشیع جنازه های شان حاضر می شوند، شهادت می دهند و رد امانت کنند.^۴

^۱ کافی، ج ۲، ص ۶۳۵.

^۲ همان.

^۳ همان.

^۴ همان.

اباعبدالله (علیه السلام) فرموده است:

«صَلُّوا عَشَائِرَكُمْ وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ عُوذُوا مَرْضَاهُمْ وَ ادُّوا حُقُوقَهُمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرَعَ فِي دِينِهِ وَ صَدَقَ الْحَدِيثَ وَ أَدَّى الْأَمَانَةَ وَ حَسَنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ قِيلَ هَذَا جَعْفَرِيٌّ قَيْسُرُنِي ذَلِكَ وَ يَدْخُلُ عَلَى مِنْهُ السُّرُورُ وَ قِيلَ هَذَا أَدَبٌ جَعْفَرِيٌّ وَ إِذَا كَانَ عَلَى غَيْرِ ذَلِكَ دَخَلَ عَلَى بِلَاؤُهُ وَ عَارُهُ وَ قِيلَ هَذَا أَدَبٌ جَعْفَرِيٌّ»، با نزدیکان خود، ولو آنکه از مخالفان باشد، ارتباط داشته باشید؛ در تشیع جنازه، عیادت، ادای امانت، راستگویی، ورع و حسن خلق پیشقدم باشید که اگر این طور باشید می گویند او «جعفری» است و من خوشحال می شوم و اگر غیر از این باشد باز هم می گویند این تربیت جعفری است و من ناراحت می شوم.^۱

اباعبدالله (علیه السلام) فرموده است:

«يا شِيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ، اعْلَمُوا إِنَّهُ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَمْلِكْ نَفْسَهُ عِنْدَ غَضَبِهِ، وَمَنْ لَمْ يُحْسِنِ صُحْبَةَ مَنْ صَحِبَهُ، وَمُخَالَفَةَ مَنْ خَالَفَهُ، وَمُرَافَقَةَ مَنْ رَافَقَهُ، وَمُجَاوِرَةَ مَنْ جَاوَرَهُ، وَمُمَالَحَةَ مَنْ مَالَحَهُ»، از ما نیست کسی که غضب خود را کنترل نکند و اهل همسایه داری، اخلاق، مصاحبت و سازش نباشد.^۲

امام صادق (علیه السلام) پس از سفارش های لازم برای شیعیان، درباره ی نحوه ی تعامل با مخالفان، به نقل از پدر بزرگوارشان، می فرماید:

«أَنَّ الرَّجُلَ مِنْ شِيعَتِنَا كَانَ يَكُونُ فِي الْحَيِّ فَتَكُونُ وَدَائِعُهُمْ عِنْدَهُ وَ وَصَايَاهُمْ إِلَيْهِ فَكَذَلِكَ أَنْتُمْ فَكُونُوا»، شیعیان واقعی ما مرجع مخالفان بودند در امانت ها و وصیت هایشان؛ امانت ها و وصیت ها را به آن می سپردند، شما هم این طور باشید.^۳

منبع های سنی

آنچه برای آداب اجتماعی در منبع های شیعه ذکر شد، در منبع های سنی نیز وجود دارد. در حدیث های متعددی که اهل سنت روایت کرده اند، به حسن همجواری، تعامل با دیگران و سازش با مردم تأکید شده است.

^۱ مستدرک، ج ۸، ص ۳۱۲.

^۲ همان، ص ۶۳۶.

^۳ مستدرک، ج ۸، ص ۳۱۱.

۲- مدارا با دیگران

در منبع‌های گوناگون شیعه و سنی به مدارا و سازش با دیگران اشاره شده است. کارایی این صفت پسندیده در مورد انسجام اسلامی این است که اگر مسلمانی روحیه‌ی تعامل و سازش با دیگران را داشته باشد، هیچ‌گاه با مسلمانی دیگر جنگ و درگیری نخواهد داشت؛ زیرا کسی که بنا دارد با مردم مدارا کند، به‌طور قطع تفرقه راه نمی‌اندازد و دست خود را به خون کسی آغشته نمی‌کند. در ادامه، به حدیث‌هایی در این زمینه اشاره می‌کنیم:

منبع‌های شیعه

رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرموده است:

«أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ»، خداوند مرا به سازش با مردم امر کرده است؛

همان‌طور که به ادای واجب‌ها امر کرده است.^۱

«دَارِ خَلْقِي»، با بندگان من مدارا کن.^۲

«مُدَارَاةُ النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ»، سازش با مردم نصف ایمان است.^۳

امام علی (علیه‌السلام) فرموده‌اند:

«رَأْسَ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مُدَارَاةُ النَّاسِ»،^۴

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرموده است:

«إِيَّاكُمْ وَمُعَادَاةَ الرَّجَالِ»، به دنبال دشمنی با مردم نباشید.^۵

«سَلَامَةُ الدِّينِ وَالدُّنْيَا فِي مُدَارَاةِ النَّاسِ»، سلامتی دین و دنیا سازش با مردم است.^۶

«سَلَامَةُ الْعَيْشِ فِي الْمُدَارَاةِ»، سلامتی زندگی در تعامل با مردم است.^۷

^۱ وسائل، ج ۱۲، ص ۲۰۰.

^۲ همان.

^۳ همان.

^۴ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۰۰.

^۵ همان.. غرر الحکم، ص ۴۴۵.

^۶ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۴۵.

^۷ همان.

منبع های سنی

در منبع های اهل سنت نیز روایت های زیادی برای مدارا با دیگران آمده است که به یک نمونه ی آن اشاره می کنیم. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرموده است:

«مُدَارَاةُ النَّاسِ صِدْقَةٌ»، سازش با مردم ثواب صدقه دارد.^۱

۳- اصلاح بین الناس

اگر بین مسلمانان کدورت و ناراحتی پیدا شد، مسلمانان دیگر وظیفه دارند آن ها را آشتی دهند و از ادامه ی جدایی آن دو جلوگیری کنند. کسی که می خواهد ثواب اصلاح بین الناس را به دست آورد، باید نخست از ایجاد اختلاف بین مسلمانان و جنگیدن با آن ها اجتناب کند. در ادامه، به حدیث هایی در این زمینه اشاره می کنیم.

منبع های شیعه

در منبع های شیعه حدیث های زیادی وجود دارد که به صلح بین مردم اشاره می کند و بهترین قدم را قدمی می داند که در این راه برداشته شود.

امام علی (علیه السلام) ضمن سفارش به اصلاح ذات البین و فضیلت آن فرموده است:

«إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ»، ثواب اصلاح بین مردم از یک سال نماز و روزه بالاتر است.^۲

امام صادق (علیه السلام) فرموده است:

«صِدْقَةٌ يُجِبُّهَا اللَّهُ إِصْلَاحُ بَيْنِ النَّاسِ»، یکی از صدقه هایی که خدا دوست دارد، اصلاح بین مردم است.^۳

منبع های سنی

رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) فرموده است:

^۱ مجمع الزوائد، ص ۳۸ و روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۲، ص ۳۷۹.

^۲ مشکاة الانوار، ص ۱۹۱، بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۱۹۹...

^۳ مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۷۷ و بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۴۳.

«كُلَّ يَوْمٍ تَطْلُعُ فِيهِ الشَّمْسُ: تَعْدِلُ بَيْنَ الْاِثْنَيْنِ صَدَقَةٌ»، هر روزی که با اصلاح بین مردم آغاز شود ثواب صدقه دارد.^۱

«أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ»، بهترین صدقه‌ها اصلاح ذات‌البین است.^۲
«مَا عَمَلَ ابْنُ آدَمَ شَيْئًا أَفْضَلَ مِنْ الصَّلَاةِ وَصَلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ»، هیچ عملی بهتر از نماز و اصلاح ذات‌البین نیست.^۳

۴ - حرمت لعن مسلمان

یکی از آداب اسلامی این است که مسلمانان نباید با زبان خود به دیگران بی‌احترامی و آن‌ها را لعن کنند. در حدیث‌های متعددی مسلمانان از لعن دیگران نهی شده‌اند. یکی از اموری که امروزه در جامعه‌های اسلامی مشاهده می‌شود لعن و نفرین همدیگر است. این رویه با حدیث‌ها و آداب دینی سازش ندارد و سبب گسستن انسجام اسلامی می‌شود. در ادامه، به حدیث‌هایی در این زمینه اشاره می‌کنیم:

منبع‌های شیعه

ابی عبدالله (علیه‌السلام) فرموده است:

«إِنَّ اللَّعْنَةَ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ صَاحِبِهَا تَرَدَّدَتْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الَّذِي يُلْعَنُ فَإِنْ وَجَدَتْ مَسَاغًا وَإِلَّا رَجَعَتْ إِلَى صَاحِبِهَا وَكَانَ أَحَقَّ»، اگر کسی را لعنت کنی، در صورتی که آن لعن وجه شرعی نداشته باشد، دوباره به صاحب لعن برمی‌گردد.^۴

رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرموده است:

«مَنْ لَعَنَ شَيْئًا لَيْسَ لَهُ بِأَهْلٍ رَجَعَتْ اللَّعْنَةُ عَلَيْهِ»، کسی که شخصی را لعنت می‌کند، اگر وجه شرعی نداشته باشد، آن لعن به خودش برمی‌گردد.^۵

منبع‌های سنی

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرموده است:

^۱ مجمع الزوائد، ص ۹۷.

^۲ همان، ص ۴۷۹ و نهج الفصاحة، ص ۲۳۱.

^۳ همان، ص ۴۸۸ و همان، ص ۷۰۱.

^۴ وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۳۰۱.

^۵ همان، ج ۹، ص ۱۳۶، بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۱..

«لَا يَكُونُ اللَّعَانُونَ شُفَعَاءَ وَلَا شُهَدَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»، کسانی که ورد زبانشان لعنت است، در روز قیامت جزو شهیدان و شفیعان نخواهد بود.^۱

«لَعْنُ الْمُؤْمِنِ كَقَتْلِهِ»، لعن کردن مؤمن مثل کشتن اوست.^۲

۵ - حرمت سب مسلمان

همه‌ی کسانی که دوست دارند آداب دینی را رعایت کنند، باید از سب دیگر مسلمانان اجتناب کنند. کسی که از سب مسلمان اجتناب کند، به‌طورطبیعی با هیچ مسلمانی نخواهد جنگید و همیشه درصدد انسجام مسلمانان و زندگی مسالمت‌آمیز خواهد بود. در ادامه، به حدیث‌هایی در این زمینه اشاره می‌کنیم.

منبع‌های شیعه

علی (علیه‌السلام) فرموده است:

«إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّابِينَ»، من دوست ندارم که شما اهل سب باشید.^۳

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرموده است:

«مَنْ سَبَّنِي فَأَقْتُلُوهُ وَمَنْ سَبَّ أَصْحَابِي فَقَدْ كَفَرَ»، کسی که مرا سب کند، او را بکشید. کسی که

اصحاب مرا سب کند، کافر است.^۴

«مَنْ سَبَّ أَصْحَابِي فَأَجْلِدُوهُ»، کسی که اصحاب مرا سب کند، او را تازیانه بزنید.^۵

امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید که به‌جای سب مخالفان این دعاها را بگویید:

«اللَّهُمَّ احْقِنْ دِمَانَنَا وَدِمَانَهُمْ وَأَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِنَا وَبَيْنَهُمْ وَاهْدِهِمْ مِنْ ضَلَالَتِهِمْ حَتَّى يَعْرِفَ الْحَقَّ مِنْ

جَهْلَهُ، وَيرَعُوِي عَنِ الْغَيِّ وَالْعُدْوَانِ مَنْ لَهَجَ بِهِ»، خدایا خون ما و آن‌ها را حفظ کن، خدایا بین ما

را اصلاح کن، خدایا گمراهان ما را از ضلالت باز دار تا جاهلان حق را بشناسند و آنان که اصرار

بر دشمنی دارند باز گردند.^۶

^۱ جامع ترمذی، ص ۴۶۹ و دلائل الصدق لنهج الحق، ج ۴، ص ۱۴۸.

^۲ ریاض الصالحین، ص ۱۴۰ و مجمع البحرين، ج ۶، ص ۳۰۹.

^۳ نهج البلاغه، ص ۳۲۳، خطبه‌ی ۲۰۶.

^۴ جامع الاخبار، ص ۱۶۰.

^۵ همان.

^۶ نهج البلاغه، خ ۲۰۶، ۱۹۷ و غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۲۳.

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) در پاسخ به شخصی که از آن او نصیحت خواسته بود فرمودند:

«لَا تَسُبُّوا النَّاسَ فَتَكْسِبُوا الْعِدَاوَةَ لَهُمْ»، مردم را سب نکنید که دشمنی‌ها را زیاد می‌کند.^۱

ایشان همچنین فرموده است:

«أَوْصِيكَ أَنْ لَا تُشْرِكَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا تَعْصِ وَالِدَيْكَ وَلَا تَسُبَّ النَّاسَ الْخَبِيرَ»، سفارش می‌کنم تو را

که به خدا شرک نورزی، والدین خود را نافرمانی نکنی، و مردم را سب ننمایی.^۲

منبع‌های سنی

رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) فرموده است:

«سب کردن مسلمانان مانند آماده‌شدن برای کشتن اوست».^۳

«سِيَابُ الْمُؤْمِنِ فُسُوقٌ وَقِتَالُهُ كُفْرٌ»، سب مؤمن فسق است و قتل او کفر.^۴

۶ - حرمت اخذ سلاح بر ضد مسلمان

اگر کسی اسلحه در دست بگیرد تا با برادر مسلمان خود بجنگد، فعل حرامی مرتکب شده است. اگر جامعه‌ی اسلامی به آداب دینی مقید باشد و مسلح‌شدن درمقابل همدیگر را حرام بداند، به‌طورقطع در این جامعه روح انسجام و همزیستی مسالمت‌آمیز حاکم می‌شود. در ادامه، به حدیث‌هایی در این زمینه اشاره می‌کنیم:

منبع‌های شیعه

رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) فرموده است:

«إِذَا التَّقَى الْمُسْلِمَانِ بَسِيْفِهِمَا عَلَى غَيْرِ سُنَّةِ فَالْقَاتِلُ وَالْمَقْتُولُ فِي النَّارِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا الْقَاتِلُ فَمَا

بَالُ الْمَقْتُولِ قَالَ لِأَنَّهُ أَرَادَ قِتَالًا»، اگر دو مسلمان با اسلحه رودرروی هم قرار بگیرند، هر دو اهل

جهنم هستند؛ زیرا یکی از آن‌ها باید کوتاه می‌آمد و از این صحنه خارج می‌شد؛ اما هر دو مقابل

^۱ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۹۷.

^۲ مستدرک، ج ۱۵، ص ۱۸۷.

^۳ الترغیب والترهیب، ص ۴۶۶.

^۴ صحیح بخاری، حدیث ۴۴۶۰، سنن ابن ماجه، حدیث ۳۹۳۹ و وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۷۸.

هم ایستادند و جنگیدند.^۱

رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) ریختن خون دیگران را به شدت نفی می کنند و در فلسفه‌ی تحریم آن می فرمایند:
ریختن خون دیگران تبعات جبران ناپذیری را به دنبال دارد.^۲

منبع های سنی

رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرموده است:

«لَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يُرَوِّعَ مُسْلِمًا»، جایز نیست مسلمانی مسلمان دیگر را بترساند.^۳

«لَا تُرَوِّعُوا الْمُسْلِمَ فَإِنَّ رَوْعَهُ الْمُسْلِمِ ظُلْمٌ عَظِيمٌ»، مسلمانی را نترسانید که ترساندن مسلمان ظلم عظیم است.^۴

«مَنْ أَخَافَ مُؤْمِنًا بِغَيْرِ حَقٍّ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُؤْمِنَهُ مِنْ أَفْرَاقِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ»، کسی که مؤمنی را بترساند سزاوار است که خداوند او را از ترس های روز قیامت ایمن نگرداند.^۵

«مَنْ أَسَارَ إِلَى أَخِيهِ بِحَدِيدَةٍ، فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَلْعَنُهُ»، کسی که با اسلحه به برادر مسلمان خود اشاره کند، ملائکه او را لعنت می کنند.^۶

«إِذَا التَّقَى الْمُسْلِمَانِ بِسَيْفِهِمَا فَالْقَاتِلُ وَالْمَقْتُولُ فِي النَّارِ»، هرگاه دو مسلمان با اسلحه مقابل هم قرار بگیرند، قاتل و مقتول هر دو اهل جهنمند.^۷

۷- حرمت کافر خواندن مسلمان

هیچ مسلمانی حق ندارد مسلمان دیگر را کافر خطاب کند. کسی نمی تواند مسلمانی را کافر بنامد که زبان او به شهادتین متبرک شده است و خداوند و آداب دین را قبول دارد. اتهام کفر برای مسلمان جرم بسیار سنگینی است و پیشوایان دینی چنین کاری را به شدت منع کرده اند.

^۱ التهذیب، ج ۶، ص ۱۷۴، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۴۸.

^۲ مستدرک، ج ۱۱، ص ۱۲۰.

^۳ الترغیب و الترهیب، ج ۳، ص ۴۸۳. نهج الفصاحه، ص ۶۸۰.

^۴ همان.

^۵ همان و نهج الفصاحه، ص ۷۶۲.

^۶ صحیح مسلم، حدیث ۶۶۶۶.

^۷ همان و الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف / ج ۲ / ۳۷۵ / ص : ۳۷۳.

رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) فرموده است:

«إِذَا قَالَ الرَّجُلُ لِأَخِيهِ يَا كَافِرَ فَهُوَ كَقَتْلِهِ»^۱، اگر کسی برادر مسلمان خود را کافر خطاب کند، مثل این است که او را به قتل برساند.

۸ - تقیه

تقیه دورویی و نفاق نیست؛ بلکه بهترین گزینه است برای اجتناب از تفرقه میان مسلمانان. طبق این نظریه، برای آنکه اتحاد مسلمانان بهم نخورد، می‌توان ظاهر اعمال عبادی را تغییر داد. کاربرد تقیه در انسجام اسلامی این است که مسلمانان وظیفه دارند از اعمالی بپرهیزند که رابطه‌ی آنها را خدشه‌دار می‌کند و اگر مسلمانی به مذهب دیگری اعتقاد دارد، برای حفظ انسجام اسلامی، تقیه می‌کند؛ زیرا حفظ انسجام اسلامی بر هر امری تقدم دارد. به حدیث‌هایی در این زمینه توجه کنید:

منبع‌های شیعه

در وسائل الشیعه - جلد ۱۶، صفحه ۲۵۴ - بابی وجود دارد با نام «وَجُوبِ كَفِّ اللِّسَانِ عَنِ الْمُخَالِفِينَ وَ عَنْ أَيْمَتِهِمْ مَعَ التَّقِيَّةِ»؛ در این باب حدیث‌های بسیار زیادی روایت شده است؛ از جمله:
ابی عبدالله (علیه السلام) می‌فرماید:

«مَا أَيْسَرَ مَا رَضِيَ النَّاسُ بِهٍ مِنْكُمْ كُفُّوا أَلْسِنَتَكُمْ عَنْهُمْ»، چه آسان است آنچه که رضایت مخالفان شما را جلب می‌کند: زبان خود را از بدگویی مخالفان باز دارید و از تقیه بهره ببرید.
ابی عبدالله (علیه السلام) می‌فرماید:

«مُعَانَدَةُ الْأَعْدَاءِ فِي دَوْلَاتِهِمْ وَ مِمَّا ظَنَنْتُمْ فِي غَيْرِ تَقِيَّةٍ تَرَكَتُمْ أَمْرَ اللَّهِ»، جنگیدن با مخالفان مسلمان و تلاش برای سقوط دولت آنها و عدم استفاده از تقیه، به معنای نادیده گرفتن اوامر خداست.^۲
ابو عبدالله (علیه السلام) می‌فرماید:

«إِنَّ تِسْعَةَ أَعْشَارِ الدِّينِ فِي التَّقِيَّةِ وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ...»، نه دهم دین در تقیه است، کسی که اهل تقیه نیست دین ندارد.^۳

^۱ الترغیب و الترهیب، ص ۴۶۵.

^۲ کافی، ج ۲، ص ۱۶۹.

^۳ من لایحضر، ج ۲، ص ۳۰۵، کافی، ج ۲، ص ۲۱۷.

امام صادق (علیه السلام) فرموده است:

«مَنْ لَمْ تَكُنْ لَهُ تَقِيَّةٌ وَضَعَهُ اللَّهُ»، کسی که تقیه ندارد خداوند او را خوار می گرداند.^۱

ابی عبدالله (علیه السلام) می فرماید:

«اتَّقُوا عَلَي دِينِكُمْ فَاحْجُبُوهُ بِالتَّقِيَّةِ فَإِنَّهُ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ»، دین خود را با تقیه حفظ کنید. کسی

که تقیه ندارد ایمان ندارد.^۲

ابی عبدالله (علیه السلام) می فرماید:

«أَنْمَا جُعِلَتِ التَّقِيَّةُ لِيُحَقَّنَ بِهَا الدَّمُ»، تقیه برای آن قرار داده شده است تا خون مسلمان نریزد.^۳

منبع های سنی

اگرچه حدیث درباره ی تقیه، در منبع های اهل سنت، به گستردگی منبع های تشیع نیست؛ اما با توجه به آنکه در صدر اسلام نیز بحث تقیه مطرح بوده و آیه هایی در این زمینه نازل شده است (آیه ی ۲۸ غافر و ۱۰۶ نحل) که به یقین اهل سنت هم تقیه را قبول دارند. تقیه علاوه بر امری شرعی، امری عقلی نیز است؛ زیرا عقل می گوید هنگام تعارض دو مصلحت، هر کدام مهم تر است را مقدم مدار. اگر مصلحت حفظ اسلام و وحدت مسلمانان با مصلحت عبادتی خاص مقایسه شود، به یقین حفظ اسلام مهم تر است.

۹ - حسن خلق

یکی از آداب دینی «حسن خلق» است. مفهوم این اخلاق دینی این است که با مسلمانی دیگر برخورد مناسب داشته باشیم و با اخلاق خوب و گشاده رویی با دیگران رفتار کنیم. لازمه ی حسن خلق و دوستی با دیگران اجتناب از نزاع و احترام متقابل است. به حدیث هایی در این زمینه توجه کنید:

منبع های شیعه

ابی عبدالله (علیه السلام) می فرماید:

«خَالَطُوا النَّاسَ، وَ آتَوْهُمْ وَ أَعِينُوهُمْ، وَ لَا تُجَابِئُوهُمْ، وَ قُولُوا لَهُمْ كَمَا قَالَ اللَّهُ: وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا».

با مسلمانان معاشرت داشته باشید، به همدیگر کمک کنید، گوشه گیر نباشید، با آنها به نیکی و

^۱ همان.

^۲ کافی، ج ۲، ص ۲۱۷.

^۳ همان.

اخلاق خوش صحبت کنید.^۱

منبع های سنی

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرموده است:

«مَا مِنْ شَيْءٍ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ»، هیچ چیزی در ترازوی میزان سنگین تر از حسن خلق نیست.^۲

«الْبِرُّ حُسْنُ الْخُلُقِ»، کسی که اخلاق حسنه دارد از نیکو کاران است.^۳

۱۰ - حرمت و منزلت مسلمان

براساس نظر اسلام، هر شخص مسلمان نزد خداوند منزلت و قداست دارد؛ بنابراین باید به مقام معنوی او توجه کرد و نباید به او بی حرمتی و توهین کرد.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرموده است:

«كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ دَمُهُ وَ مَالُهُ وَ عِرْضُهُ»، خون، مال و عرض مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است.^۴

«الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ، لَا يَظْلِمُهُ وَ لَا يَخْذُلُهُ وَ لَا يَحْقَرُهُ»، مسلمان برادر مسلمان است، به او ظلم نمی کند و او را خوار و حقیر نمی گرداند.^۵

«مَنْ صَلَّى الصُّبْحَ فَإِنَّهُ فِي ذِمَّةِ اللَّهِ فَمَنْ قَتَلَهُ طَلَبَهُ اللَّهُ حَتَّى يَكْبَهُ فِي النَّارِ عَلَى وَجْهِهِ»، کسی که نماز صبحی را به جا آورد، مسلمان بوده و در ذمه ی خداوند است؛ اگر کسی او را بکشد خداوند انتقام او را مطالبه می کند و قاتل را در آتش مجازات می سازد.^۶

۱۱ - شاد کردن مسلمان

اگر کسی مسلمانی را خوشحال کند، خداوند برای او پاداش خیر عنایت می کند. همان اندازه که

^۱ مستدرک، ج ۸، ص ۳۱۸ و الأصول الستة عشر، ص ۲۴۵.

^۲ سنن ابی داوود، حدیث ۴۷۹۹، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۴۸.

^۳ ریاض الصالحین، ص ۲۱۳. نهج الفصاحه، ص ۳۷۵.

^۴ معجم ابن ماجه، حدیث ۳۹۳۳، منیه المرید، ص ۳۲۶.

^۵ الترغیب والترهیب، ج ۳، ص ۶۱۰.

^۶ سنن ابن ماجه، حدیث ۳۹۴۶.

خوشحال کردن مسلمان ثواب دارد، ناراحت کردن او نیز عذاب دارد. به حدیث‌هایی در این زمینه توجه کنید:

منبع‌های شیعه

اباعبدالله (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«أَيُّمَا مُسْلِمٍ لَقِيَ مُسْلِمًا فَسَرَّهُ سَرَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ»، هر مسلمانی که مسلمان دیگر را خوشحال کند،

خدا او را خوشحال می‌گرداند.^۱

«مِمَّا يُحِبُّ اللَّهُ مِنَ الْأَعْمَالِ إِدْخَالَ السُّرُورِ عَلَى الْمُسْلِمِ»، یکی از چیزهایی که خداوند دوست دارد

ادخال سرور بر مسلمانان است.^۲

منبع‌های سنی

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرموده است:

«مَنْ لَقِيَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ بِمَا يُحِبُّ لَيْسَرَهُ بِهِ سَرَّهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»، کسی که برادر مسلمان خود را مسرور

می‌گرداند، خداوند در قیامت او را مسرور می‌گرداند.^۳

«إِنَّ مِنْ مَوْجِبَاتِ الْمَغْفِرَةِ إِدْخَالَ السُّرُورِ عَلَى أَخِيكَ الْمُؤْمِنِ»، یکی از موجبات آمرزش خداوند

ادخال سرور بر مسلمان است.^۴

نتیجه

از مجموع بحث‌هایی که در این مقاله عرضه شد چنین نتیجه می‌گیریم که کتاب، سنت و عقل بر انسجام اسلامی تأکید دارند. علاوه بر حدیث‌های صریحی که در این زمینه وجود دارد و مسلمانان را به وحدت و همدلی فرا می‌خواند، در آداب ائمه (علیهم‌السلام) نیز می‌توان **لزوم** انسجام اسلامی را دید. مدارا، مصالحه، احترام متقابل، تقیه، حرمت سب، لعن و... تلاشی برای برقراری انسجام اسلامی و صمیمیت دینی است که عقل نیز بدان حکم می‌کند.

^۱ وسائل، ج ۱۶، ص ۳۵۰.

^۲ مستدرک، ج ۱۲، ص ۳۹۶.

^۳ الترغیب و الترهیب، ج ۳، ص ۳۹۴.

^۴ همان، ص ۳۹۴.

منابع و مأخذ

- ۱- ابن ماجه قزوینی، السنن.
 - ۲- ابی داوود، السنن.
 - ۳- بخاری، الصحيح.
 - ۴- ترمذی، الجامع.
 - ۵- تمیمی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶.
 - ۶- شعیری، تاج الدین، جامع الاخبار، انتشارات رضی، قم، ۱۳۶۳.
 - ۷- طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الانوار، کتابخانه‌ی حیدریه نجف، ۱۳۸۵ قمری.
 - ۸- طوسی، التهذیب، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۱۰، ۱۳۶۵.
 - ۹- عاملی، وسائل الشیعه، مکتبه الاسلامیه، تهران، ج ۷، ۱۳۷۹.
 - ۱۰- عبدالعظیم منذری، الترغیب و الترهیب، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۸ قمری.
 - ۱۱- علی بن ابی بکر هیثمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ قمری.
 - ۱۲- مسلم، الصحيح.
 - ۱۳- نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، قم، ۱۴۰۷ قمری.
 - ۱۴- نووی، ریاض الصالحین، دارالرائد العربی، بیروت، بی‌تا.
 - ۱۵- الکتب الستة، دارالسلام، عربستان، ۱۴۲۱ قمری.
- منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد